



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش‌های سیاسی

پیامدهای فروش سلاح از سوی کشورهای اروپایی به کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا

معاونت سیاسی
صدا و سیما

فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش‌های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صداوسیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

– گروه تلگرام پژوهش خبری صداوسیما <https://telegram.me/pajooheshkhabar>

– پژوهشگر: علی ظریف

دنیای امروز با وجود پیشرفت‌های بزرگ علمی و صنعتی نه تنها امنیت و صلح برای مردم به ارمغان نیاورده بلکه زمینه‌های کشتار، تخریب و نقض حقوق انسان‌ها را در ابعادی وسیع فراهم کرده است. گسترش تروریسم در ابعاد وسیع، حضور تروریست‌های داعش و یا گروه‌های مشابه آنها در اقصی نقاط جهان، وقوع جنگ‌های نیابتی، بحران اکرین و شبه جزیره کره و رخ نداده‌اند مگر در بستر گسترش نظامی‌گری و فعال شدن گسل‌های هویتی و امنیتی در نقاط استراتژیک جهان و حالا پیدا کردن راهی برای این مناقشات بیش از پیش سخت‌تر شده است.

یکی از مناطق آشوب زده و بحرانی در جهان امروز خاورمیانه است. بدیهی است عوامل زیادی در به وجود آمدن جنگ و کشتار در منطقه غرب آسیا نقش داشته‌اند که از دولت‌های غربی آن سوی منطقه شروع تا دولت‌های مرتجع عربی هم‌پیمان آنان و رژیم صهیونیستی را شامل می‌شود. نشانه‌ها حاکیست دولت‌های غربی به ظاهر طرفدار حقوق بشر بازیگران پشت‌پرده این جنگ خونین هستند و همواره برای تأمین منافع ملی خود اقداماتی انجام می‌دهند که با هیچ منطقی سازگار نیست. در این میان نقش کشورهای اروپایی در گسترش دامنه نامنی و جنگ در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا پررنگ است و این منطقه در سیاست خارجی اروپائیان از اهمیت استراتژیک برخوردار است و از مهم‌ترین راهبردهای کشورهای اروپایی در منطقه ایجاد پیمان‌های دوجانبه و یا چندجانبه نظامی و امنیتی و همچنین صادرات اسلحه به کشورهای منطقه است.

مشکل زمانی ابعاد وسیع‌تری به خود می‌گیرد که در نظر داشته باشیم دو بحران مهاجرت و همچنین بحران بازگشت شهروندان اروپایی شرکت‌کننده در جنگ عراق و سوریه بیش از گذشته اروپائیان را درگیر تحولات خاورمیانه کرده است و نگاه آنها امنیتی‌تر شده است. تحولات پرشتاب خاورمیانه در حالی رخ می‌دهند که صادرات سلاح از اروپا به رژیم‌های سرکوبگر منطقه غرب آسیا همچنان در ابعاد وسیع ادامه دارد و نشانه‌های کافی از دستیابی گروه‌های تروریستی به این سلاح‌ها وجود دارد. در این پژوهش تلاش خواهد شد نشان داده شود چرا کشورهای اروپایی با وجود بحران‌های فزاینده در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا همچنان به صادرات سلاح ادامه می‌دهند و پیامد این اقدام آنها چیست؟

□ اهمیت منطقه غرب آسیا برای کشورهای اروپایی

منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا از دیرباز به علت مجاورت جغرافیایی برای اروپائیان اهمیت داشته است. حوزه مدیترانه یکی از مهم ترین مناطق تجارت و بازرگانی برای اروپائیان بوده و هست و منطقه غرب آسیا راه ارتباطی برای دسترسی اروپا به شبه قاره هند و شرق دور بوده است. با این حال از ابتدای قرن بیستم عوامل متعددی سبب شدند تا بر اهمیت راهبردی منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا نزد اروپائیان افزوده شود که عبارتند از:^۱

۱- موقعیت کشورهای حوزه کشورهای خلیج فارس به دلیل وجود منابع سرشار از انرژی نفت و گاز.

۲- موقعیت استراتژیک منطقه خاورمیانه، به دلیل خاستگاه ادیان ابراهیمی و پیونددهنده سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا.

۳- وجود رژیم اشغالگر صهیونیستی در این منطقه و ایجاد امنیت و ثبات برای آن.

۴- وجود بازارهای تجاری به منظور فروش محصولات صادراتی.

۵- بیداری اسلامی مردم این کشورها برای استقلال.

۶- گسترش کمر بند امنیتی ناتو به شرق به لحاظ راهبردی در مقابل قدرت های مانند روسیه و چین.

۷- وجود تنگه های سوق الجیشی و تجاری تنگه هرمز و تنگه باب المندب در ایران و یمن.

۸- حضور نظامیان غربی در افغانستان به همراه کشورهای همسو منطقه و هم پیمان با دولت های غربی در این منطقه مانند عربستان سعودی و کشورهای عربی حاشیه حوزه همیشه خلیج فارس.

۹- بحران های اقتصادی و رکود مالی به وجود آمده در کشورهای اروپایی و آمریکا، برای از بین بردن بحران های مالی خود به انتقال بحران با ایجاد تنش، و راه اندازی جنگ در سایر کشورها با انگیزه های مختلف، اعم از انگیزه های اختلافات مرزی و یا مذهبی و قومی به منظور فروش سلاح و تسلیحات نظامی اقدام می کنند.

۱۰- بحران رشد و گسترش جمعیت مسلمانان در کشورهای اروپایی و غربی.

^۱ . محمدی فومنی، حسین، بحران های منطقه ای و پیامدهای آن در اروپا، تابناک، ۹۴/۲/۲۱

□ اروپا و منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا

ریشه بحران‌های موجود در غرب آسیا و شمال آفریقا را باید در چندین دهه سرکوب و نادیده انگاشتن مردم و تلاش مجدد آنها برای هویت‌یابی و همچنین دخالت قدرت‌های بزرگ جستجو کرد. در شرایطی که هنوز مشکلات طولانی‌مدت، سخت و مزمن گذشته، حل نشده باقی مانده‌اند، منطقه با بحران‌ها و معضلات تازه‌تر و البته سخت‌تری مواجه شده است. امروزه ناامنی و خشونت، بخش‌های وسیع‌تری از خاورمیانه را فرا گرفته است؛ به گونه‌ای که اینبار هدف مردم غیرنظامی هستند. در حالی که برخی دولت‌ها و ارتش‌های مجهز نبود یا تضعیف شده‌اند، معدود کانون‌های باثبات منطقه‌ای نیز به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در منازعات و مخاصمات منطقه‌ای درگیر شده‌اند. علاوه بر آن پای دیگر قدرت‌های جهانی مانند آمریکا، روسیه و اروپا نیز به نحوی به منازعات متنوع در خاورمیانه و آفریقا کشیده شده است که شرایط را پیچیده‌تر کرده است. منطقه امروز صحنه دائمی یک مبارزه بین قدرت‌های بین‌المللی به بهانه مقابله با تروریسم است و برخی از این قدرت‌ها همچون قدرتهای اروپایی همواره در مجموعه امنیتی خاورمیانه و الگوی نظم منطقه‌ای آن نقش اساسی داشته‌اند و نقش آفرینی کرده و مسائلی مانند نفت و انرژی، نفوذ استراتژیک و بازارهای اقتصادی خاورمیانه برای آن‌ها، از اهمیت اساسی برخوردار است. در حالی که مدتی است آمریکا منطقه اقیانوس آرام را به کانون توجه خود تبدیل کرده است کشورهای اروپایی رقبت بیشتری برای حضور در خاورمیانه آشوب زده و ایفای نقش در آن نشان می‌دهند. در سالهای گذشته انگلیس تمایل بیشتری برای حضور مجدد در خلیج فارس از خود نشان داده و فرانسه نیز علاوه بر مداخله در امور داخلی لیبی با شیخ نشین‌های خلیج فارس پیوند استراتژیک برقرار کرده است.

فرانسه نیز در سال ۲۰۰۹ حضور نظامی خود در خلیج فارس را با احداث یک پایگاه نظامی در تنگه هرمز و کشور امارات متحده عربی پس از دو قرن تجدید کرد. پیشنهاد ساخت این پایگاه که هزینه آنرا امارات پرداخته‌است در دوران ژاک شیراک مطرح شد. این پایگاه در دوران سارکوزی رئیس‌جمهور بعدی فرانسه ساخته و افتتاح شد. پایگاه فرانسه پانصد نظامی از نیروی هوایی و دریایی را میزبانی می‌کند دارای کمپ آموزشی نیز می‌باشد. پاریس امیدوار است با حضور نظامی در منطقه بتواند بر حجم تجارت خود با کشورهای منطقه خصوصا تجارت سلاح بیفزاید.

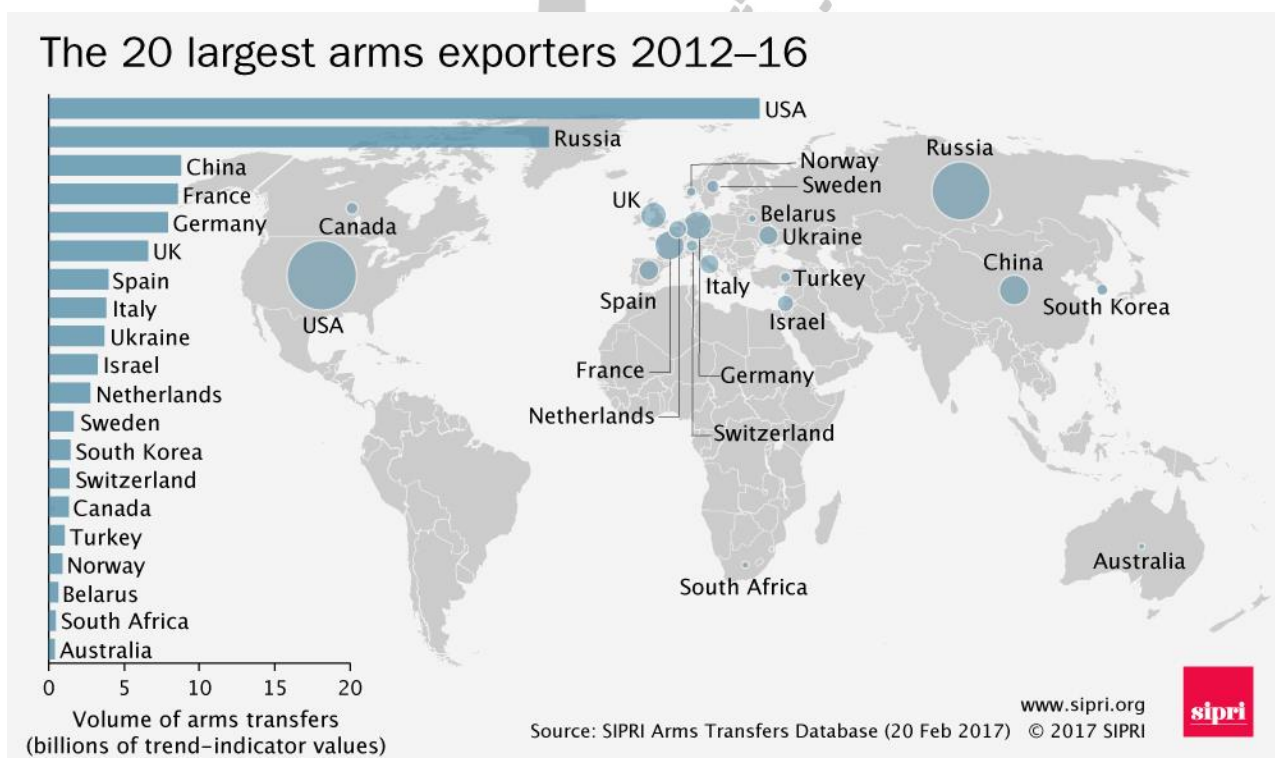
انگلیس نیز در منطقه شرایط مشابهی دارد و با خروجش از اتحادیه اروپا و بازار واحد و احتمالا از دست دادن بازار وسیعی در قاره سبز در پی دستیابی به ۳۰ میلیارد پوند فرصت تجارت بعد از برگزیت در غرب آسیا دارد و گفته می‌شود دولت «ترزا می» تلاش دارد تا امکان تجارت برای شرکت‌های انگلیسی در برخی کشورهای عربی فراهم شود. برای رسیدن به این خواسته البته حضور نظامی و امنیتی انگلیس در منطقه ضروری است و تجارت اسلحه هم از اهمیت بسیاری برخوردار می‌شود. در همین راستا انگلیس در سال گذشته به‌طور رسمی پایگاه بزرگ نیروی دریایی خود را در بحرین افتتاح کرد و اعلام کرد لندن قصد دارد پایگاه دریایی خود را در بحرین به دومین مرکز عملیات برای نیروی دریایی سلطنتی این کشور پس از پایگاه پورتموث، در جنوب انگلیس تبدیل کند، به طوری کشتی‌های جنگی انگلیس برای سوخت‌گیری و تعمیر نیاز به بازگشت به انگلیس نداشته باشند. این پایگاه دریایی با حدود ۶۰۰ نیروهای نظامی، وظیفه پشتیبانی از کشتی‌های جنگی را که در آب‌های منطقه گسترزی می‌کنند، بر عهده خواهد داشت. این در حالیست که نیروی هوایی انگلیس نیز بیش از ۹۰ سال است که از پایگاه‌های هوایی در بحرین استفاده می‌کند.

بازگشت نیروهای دریایی انگلیس و فرانسه به منطقه، می‌تواند قرار دادهای پر سود اقتصادی را در برابر حمایت نظامی و امنیتی متوجه آنها کند. این سیاست البته ممکن است بقاء رژیم‌های سرکوبگر منطقه را طولانی‌تر کند اما پایان بحران رژیم‌های نامشروع تلقی نخواهد شد. با توجه به عدم توانمندی امریکا در جلوگیری از رشد و گسترش خیزش‌های اسلامی،

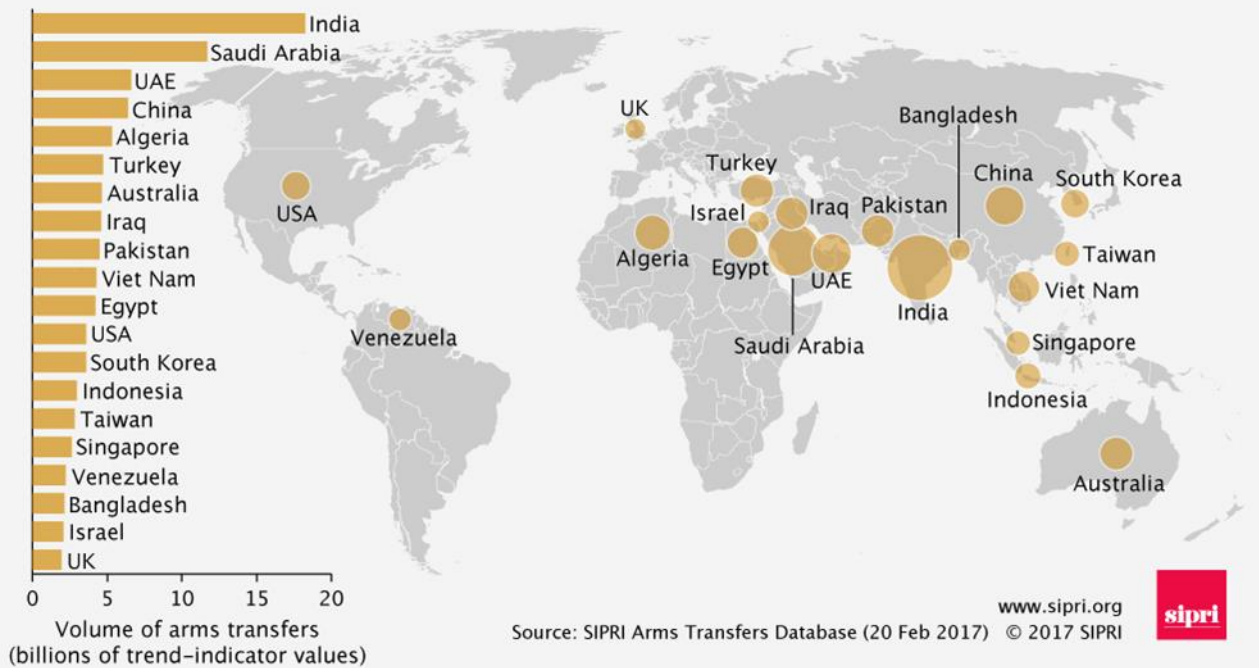
واشنگتن دوباره خواهان بازگشت استعمارگران اروپایی به منطقه و ایفای نقش و سهم گیری در جغرافیای سیاسی منطقه است که البته مطلوب قدرتهای اروپایی نیز می باشد.

□ صادرات تسلیحات اروپایی به منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا

نقل و انتقال جهانی سلاح و جنگ افزارها طی ۵ سال گذشته به بالاترین میزان خود پس از پایان جنگ سرد رسیده است. بنا بر گزارش «مؤسسه بین المللی پژوهش های صلح استکهلم»، که به اختصار «سیپری» نامیده می شود، میزان تجارت اسلحه بین سال های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ بیش از هر دوره ۵ ساله دیگری بعد از سال ۱۹۹۰ بوده است. در این گزارش آمده است خاورمیانه میزان واردات سلاح خود را در ۵ سال گذشته، تقریباً ۲ برابر کرده است.



The 20 largest arms importers 2012–16



بنابر منابع مرکز تحقیقاتی «سیپری»، ایالات متحده با ۳۳ درصد سهم صادرات تسلیحات در جهان در مقام اول بوده و به تعقیب آن روسیه با سهم ۲۳ درصدی در درجه دوم قرار دارد. در فهرست درجه بندی صادرات اسلحه چین با ۶،۲ درصد سومین کشور سهم در تجارت تسلیحاتی در جهان محسوب می شود و به این ترتیب صادرات جمهوری خلق چین ۷۴ درصد افزایش را نشان می دهد. فروش تسلیحات آلمان در سال ۲۰۱۶، در پنج سال اخیر ۳۶ درصد کاهش یافته است. در سال های گذشته فروش تسلیحات آلمان در حد فروش تسلیحات این کشور در میان سال های ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱ بود؛ سال هایی که آلمان سومین کشور بزرگ صادرکننده تسلیحات نظامی به شمار می رفت. در فهرست درجه بندی تازه انستیتوی مذکور آلمان با سهم ۵،۶ درصد فروش تسلیحات در مقام پنجم قرار دارد. در برابر فرانسه با سهم فروش تسلیحاتی شش درصد در مقام چهارم این فهرست می باشد.^۱

جدول بزرگترین صادرکنندگان سلاح جهان

سال ۲۰۱۵		سال ۲۰۱۶		
صدور سلاح (میلیارد دلار)	کشور	صدور سلاح (میلیارد دلار)	کشور	ردیف
۲۲/۹۶۱	آمریکا	۲۴/۴۰۷	آمریکا	۱
۷/۴۴۷	روسیه	۷/۶۸۲	روسیه	۲
۴/۷۷۹	آلمان	۶/۰۳۳	فرانسه	۳
۴/۷۷۴	فرانسه	۴/۷۸۱	آلمان	۴
۳/۸۹۶	انگلیس	۴/۳۸۰	انگلیس	۵
۳/۱۱۴	کانادا	۴/۳۱۲	کانادا	۶
۲/۱۴۰	ایتالیا	۳/۰۱۱	رژیم صهیونیستی	۷
۲/۱۱۳	رژیم صهیونیستی	۲/۴۸۸	ایتالیا	۸
۱/۷۳۶	چین	۱/۸۰۲	اسپانیا	۹
۱/۳۲۳	اسپانیا	۱/۶۲۳	چین	۱۰

جدول بزرگترین واردکنندگان اسلحه در جهان^۱

سال ۲۰۱۵		سال ۲۰۱۶		
صدور سلاح (میلیارد دلار)	کشور	صدور سلاح (میلیارد دلار)	کشور	ردیف
۹/۳۲۵	عربستان سعودی	۱۰/۰۵۶	عربستان سعودی	۱
۴/۳۳۱	هندوستان	۳/۹۵۳	هندوستان	۲
۲/۳۰۶	استرالیا	۳/۰۸۵	امارات متحده عربی	۳
۲/۲۶۸	مصر	۲/۵۰۳	کره جنوبی	۴
۲/۱۸۱	کره جنوبی	۲/۲۸۳	عراق	۵
۲/۱۴۱	عراق	۲/۰۶۳	استرالیا	۶
۲/۰۸۰	اکراین	۲/۰۳۲	مصر	۷
۲/۰۷۵	امارات متحده عربی	۲/۰۱۲	تایوان	۸
۱/۸۳۱	انگلیس	۱/۸۶۷	اکراین	۹
۱/۶۷۴	الجزایر	۱/۷۵۴	الجزایر	۱۰
۱/۵۱۳	تایوان	۱/۶۹۲	قطر	۱۱

اما کشورهای خاورمیانه از بزرگترین واردکنندگان سلاح در جهان محسوب می‌شوند. با وجود آمار و ارقام سرسام‌آور واردات اسلحه در خاورمیانه، که شامل افزایش ۲۴۵ درصدی واردات اسلحه به قطر و ۲۱۲ درصدی افزایش سلاح از سوی آل سعود نیز می‌شود، ایران تنها ۱٫۲ درصد از مجموع نقل و انتقالات اسلحه را در منطقه به خود اختصاص داده است. ایران در سال ۲۰۱۶ سامانه دفاع موشکی اس ۳۰۰ را از روسیه تحویل گرفت. این تنها اقدام قابل توجه ایران در زمینه واردات سلاح از سال ۲۰۰۷ بوده است. پیترو ویزمن، یکی دیگر از پژوهشگران ارشد سیپری، گفت: «طی ۵ سال گذشته بیشتر کشورهای خاورمیانه در زمینه توسعه توانایی‌های نظامی پیشرفته خود از آمریکا و اروپا پیشی گرفته‌اند.» وی افزود: «به‌رغم کاهش بهای نفت در سال ۲۰۱۶، کشورهای منطقه همچنان به خرید اسلحه ادامه دادند، چراکه آن را ابزاری حیاتی برای مقابله با درگیری‌ها و تنش‌های منطقه‌ای می‌دانند.» بطورمثال عربستان سعودی بازاری پرسود برای لندن است، چراکه بریتانیا تقریباً نیمی از کل سلاح‌های تولیدی خود را به عربستان فروخته است.^۲

۱ - www.huffington post.ca ۰۶/۱۵/۲۰۱۶

۲ - پرس تی وی، ۲۰/۲/۲۰۱۷

نکته قابل توجه اینکه ۲۲ کشور از ۳۰ کشوری که از سوی انگلیس در فهرست ناقضان حقوق بشر قرار گرفته‌اند، واردکننده تسلیحات انگلیسی هستند و لندن هم از منافع مالی آن نمی‌تواند چشم‌پوشی کند. سال گذشته ایندپندنت مدعی شد انگلیس پس از آمریکا به بزرگترین تأمین‌کننده سلاح در خاورمیانه طی ۱۰ سال اخیر تبدیل شده و گوی سبقت را از روسیه، چین و فرانسه ربوده است و آمار فروش تسلیحات لندن از سال ۲۰۱۰ میلادی تاکنون به ۷,۹ میلیارد پوند رسیده است. به عبارت دیگر از مجموع صادرات سلاح انگلیس، دوسوم در خاورمیانه فروخته می‌شود که نشان از منافع سرشار لندن از تنش‌های سیاسی و منازعات نظامی در این منطقه کلیدی از جهان است. گزارشگر ایندپندنت در ادامه به عربستان سعودی به عنوان یکی از خریداران اصلی سلاح انگلیس با وجود انتقاد سازمان ملل از رژیم آن به دلیل نقض قوانین جنگ در یمن اشاره می‌کند. جالب اینکه هم اتحادیه اروپا و هم کمیسیون توسعه بین‌المللی در مجلس عوام خواستار پایان دادن به فروش سلاح به دولت‌های سرکوبگر شده‌اند. گزارش‌گاردین نیز نشان می‌دهد در ماه‌های پس از آغاز عملیات نظامی عربستان علیه مردم یمن، در مه ۲۰۱۵ میلادی جنگنده‌هایی به ارزش ۱,۷ میلیارد پوند، در ژوئیه همان سال موشک‌های هوا به هوا به ارزش ۹۹۰ میلیون پوند و در سپتامبر همان سال بمب‌هایی به ارزش ۶۲ میلیون پوند به عربستان فروخته شده است.^۱

انگلیس همچنین سلاح‌هایی را به امارات متحده عربی فروخته است که در مناقشات منطقه استفاده می‌شود. بطور مثال دولت انگلیس در سال ۲۰۱۶، حدود ۵۰۹ مجوز فروش سلاح‌های دفاعی و تهاجمی به ارزش ۱۸۲ میلیون پوند (۲۳۳,۳ میلیون دلار) به امارات را صادر کرده است. براساس گزارش سازمان عربی حقوق بشر، بیشتر این سلاح‌ها به مناطق بحران زده در یمن و لیبی که امارات در نزاع آنها نقش دارد، ارسال شده است.^۲

۱ - (خبرگزاری مهر، ۹۵/۶/۱۵)

۲ - (سایت شبکه العالم، ۹۶/۶/۱۵)

جدول فروش سلاح‌های انگلیسی به کشورهای غرب آسیا ۲۰۱۶-۲۰۱۵^۱

سال‌های ۲۰۱۶ - ۲۰۱۵		
ردیف	کشور	فروش سلاح انگلیسی به کشورهای غرب آسیا
۱	عربستان سعودی	۳/۳ میلیارد پوند
۲	امارات متحده عربی	۲۶۵ میلیون پوند
۳	ترکیه	۱۷۵ میلیون پوند
۴	قطر	۱۳۹ میلیون پوند
۵	رژیم صهیونیستی	۱۰۵ میلیون پوند
۶	عمان	۷۱ میلیون پوند
۷	مصر	۶۵ میلیون پوند
۸	اردن	۱۹ میلیون پوند
۹	بحرین	۱۹ میلیون پوند
۱۰	کویت	۱۳ میلیون پوند
۱۱	لبنان	۲/۸ میلیون پوند
۱۲	یمن	۲۶۶ هزار پوند

فرانسه هم از فروشندگان مهم سلاح در خاورمیانه است و در سال ۲۰۱۶ تعداد بسیار زیادی سلاح به صادرات آسیا صادر کرده است، حال آنکه در سال ۲۰۱۵، غرب آسیا مقصد ۷۵ درصد از تسلیحات فرانسوی بود. بطورمثال فرانسه در زمینه فروش جنگنده رافال رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است: در فوریه ۲۰۱۵ مصر ۲۴ جنگنده رافال، یک ناوچه جنگی و موشک‌هایی با برد کوتاه و متوسط را سفارش داد. ارزش این قرارداد ۵,۲ میلیارد یورو بوده است. در مه ۲۰۱۵ هم قطر ۲۲ رافال را به قیمت ۶,۳ میلیارد یورو خریداری کرد. فرانسه بخش زیادی از تسلیحاتی را که قرار بود روانه لبنان شود به عربستان سعودی تحویل داد. عربستان در تاریخ ۴ نوامبر ۲۰۱۴ اقدام به امضای قراردادی تسلیحاتی با فرانسه به ارزش ۲,۸ میلیارد یورو نمود، این سلاح‌ها قرار بود به جبهه سوریه تحویل داده شود، ولی بعداً خود عربستان آن‌ها را تحویل گرفت.^۲

آلمان هم البته در مسابقه فروش سلاح به کشورهای منطقه حضور دارد و برلین یکی از پایتخت‌های مهم اروپایی است که به ویژه در سال‌های اخیر در معاملات میلیاردی تسلیحاتی فعال است. به نوشته مجله اسپیگل شورای امنیت آلمان در سال ۲۰۱۱ مجوز صادرات سلاح به ارزش ۵,۴ میلیارد یورو را تصویب نموده که این رقم به گفته دولت آلمان، نسبت به سال ۲۰۱۰، بیش از ۱۴ درصد افزایش یافته است. این مسئله در سال‌های اخیر بدانجا رسیده است که آلمان نه فقط به هم‌پیمانان خود در ناتو و اتحادیه اروپا، بلکه به سایر نقاط جهان نیز سلاح می‌فروشد. در این میان کشورهای دریافت‌کننده- ای وجود دارند که از نظر رعایت حقوق بشر در وضعیت نامناسبی هستند که امارات متحده عربی و عربستان سعودی از جمله این کشورها هستند و تونس، مصر، لیبی در شمال آفریقا از خریداران عمده تجهیزات نظامی آلمان از سال ۲۰۱۱ به بعد بوده‌اند.^۳

۱ - www.alaraby. Co.uk ۰۷/۰۴/۲۰۱۷

۲ - (سایت ایران یوریکا، ۱۳۹۵/۷/۴)

۳ - (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۱/۱۲/۱۹)

□ نقش کمپانی‌های اسلحه سازی

اواسط تابستان سال گذشته «مؤسسه اروپایی منع تجارت و حمل سلاح» گزارشی با عنوان «جنگ‌های مرزی؛ قاچاقچیان اسلحه از تراژدی پناهجویان اروپا سود می‌برند» منتشر کرد که نشان داد تولیدکنندگان و فروشندگان سلاح با گسترش نزاعهای مسلحانه در پی کسب سودآوری هستند. در این گزارش تاکید شده قاچاقچیان اسلحه سیل سلاح‌های مختلف را به سوی منطقه جنگ‌زده خاورمیانه روانه می‌کنند و بعد با اتحادیه اروپا لابی می‌کنند تا مرزها را علیه پناهجویان مسلح سازند و اینگونه آن‌ها از هر دو سوی جنگ سود می‌برند. آنها به‌طور فعالی امنیت‌بخشی بیشتر به مرزهای اروپا را تشویق می‌کنند و تمایل دارند فناوری‌های بسیار قوی‌تری را برای این مهم به کار بگیرند این در حالیست که از ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴، اعضای اتحادیه اروپا اجازه دادند تا چیزی بیش از ۸۲ میلیارد دلار سلاح به خاورمیانه و شمال آفریقا ارسال شود.

علاوه بر این، مؤسسه اروپایی منع تجارت سلاح و تی.ان.آی کشف کرده‌اند که «نمایندگان این صنعت، مقامات دولتی و پرسنل نظامی و امنیتی همدیگر را در طول سال در حاشیه کنفرانس‌ها، نمایشگاه‌ها و میزگردها ملاقات می‌کنند». گزارش جزئیات این مسئله را بیان می‌کند که چگونه جریانی ثابت، از خارج خاورمیانه، همه بازیگران این درگیری چندجانبه را، مانند جنگ داخلی سوریه، با میزان نامحدودی از سلاح‌های بسیار پیشرفته تغذیه می‌کند. این مسئله تضمین می‌کند که درگیری‌ها ادامه داشته باشد و همان‌طور که تلفات و تعداد افرادی که به علت درگیری‌ها مجبور به جابه‌جایی شده‌اند، به مرور افزایش پیدا می‌کند، به نظر می‌رسد که دلالتی ترس و نیز سودجویی و سوءاستفاده‌های ویران‌کننده ادامه خواهد داشت.^۱

□ پیامدهای فروش سلاح

۱- بی‌ثباتی در منطقه

وقوع تعارضات بین‌المللی حاد خصوصاً در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا تأثیرات زیادی بر کل کشورهای این منطقه ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک داشته و عملاً این حوزه را به یکی از بی‌ثبات‌ترین مناطق جهان تبدیل کرده است. خریدهای کلان تسلیحاتی از سوی طیف گسترده‌ای از کشورهای منطقه و انتقال این سلاح‌ها به مناطق بحران (لیبی، سوریه و عراق) به تهدیدی برای همسایگان نیز تبدیل شده است. کم‌نیستند اخباری که حاکی از انتقال سلاح‌های خریداری شده از سوی کشورهای عرب خلیج فارس به سوریه و لیبی است. بطور مثال نشریه بلغاری "ترود" در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده است که عناصر مسلح در سوریه به طور مداوم سلاح‌های خود را از بلغارستان و از طریق یک کشور عرب حوزه خلیج فارس دریافت می‌کنند. خبرنگاران این نشریه فاش کردند: کشتی "مارین دانیکا" که حامل سلاح‌های ساخت بلغارستان است، دو سفر منظم دریایی ماهیانه از بندر پورگاس در شرق بلغارستان به یک کشور در خاورمیانه دارد. این خبرنگاران افزودند: کشتی مارین دانیکا با پرچم دانمارک و حامل چندین تن سلاح در تاریخ بیست و هشتم ماه مارس سال جاری میلادی بندر پورگاس را ترک کرد و در تاریخ ششم ماه آوریل سال جاری میلادی در بندری در منطقه خاورمیانه پهلو گرفت. خبرنگاران نشریه ترود در دسامبر سال گذشته میلادی نیز مقادیر زیادی سلاح ساخت بلغارستان را در ۹ انبار گروه تروریستی جبهه النصره مرتبط با القاعده در شرق شهر حلب کشف کردند که در کارخانه "اف ام ز - سوبوت" در مرکز بلغارستان ساخته شده بود. این سلاح‌ها در ۹ انبار جبهه النصره در شرق شهر حلب بعد از خروج عناصر مسلح از آن کشف شده بود.^۲

۱ - (نایت، نیکا، ترجمه: رعنائی، مهدی، جنگ و پیامدهای آن کسب‌وکاری سودآور است، سایت ترجمان، ۱۸/۵/۹۵)

۲ - (خبرگزاری تسنیم، ۵/۲/۹۶)

گزارشی دیگر از سوی خبرنگاران «شبکه گزارش‌های تحقیقی بالکان» و «پروژه گزارش جنایت و فساد سازمان‌یافته» منتشر شده است. این سند نشان می‌دهد، برخی کشورهای اروپای شرقی در ۴ سال گذشته بیش از ۱,۳ میلیارد دلار سلاح به کشورهای خاورمیانه فروخته‌اند. این تسلیحات سپس در اختیار معارضان سوری قرار گرفته است. این تسلیحات شامل هزاران قبضه کلاشنیکف، مسلسل، خمپاره‌انداز، راکت‌انداز و موشک‌های ضدتانک و همچنین تانک‌های فرسوده تی-۵۵ و تی-۷۲ بوده است. این سلاح‌ها از کشورهای بوسنی، بلغارستان، کرواسی، جمهوری چک، مونته‌نگرو، اسلوواکی، صربستان، و رومانی ارسال شده‌اند. عربستان سعودی به تنهایی به صورت محرمانه ۱۸ هزار و ۵۰۰ قبضه راکت‌انداز، ۱۰ هزار قبضه کلاشنیکف، ۳۰۰ فروند تانک و ۲۵۰ سلاح ضد هوایی از کشورهای اروپایی وارد کرده است. دیگر کشورهای اروپایی هم از قبل مقادیر زیادی سلاح و مهمات به عربستان سعودی فروخته و این کشور ثروتمند نفتی تحت حمایت امریکا را تا بن دندان مسلح کرده‌اند. سلاح‌های خریداری شده از اروپای شرقی از طریق دو مرکز فرماندهی سری در ترکیه و اردن به سوریه فرستاده شده است.^۱

۲- ایجاد مسابقه تسلیحاتی در منطقه

در سال‌های اخیر هیچگاه کشورهای منطقه تا این اندازه درگیر مسابقه تسلیحاتی نشده بودند. در حقیقت ناکارآمدی محیط راهبردی خاورمیانه علت اصلی مسابقه‌ی تسلیحاتی محسوب می‌شود و ثبات راهبردی پیش‌شرط رژیم کنترل تسلیحات در این منطقه می‌باشد. به دلیل عدم وجود ثبات راهبردی در منطقه‌ی خاورمیانه ضمن عدم شکل‌گیری رژیم امنیتی جامع رسمی مسابقه‌ی تسلیحاتی به‌عنوان یک واقعیت در این نظم منطقه‌ای محسوب می‌شود. سود سرشار ناشی از فروش تسلیحات، ایالات متحده و متحدین اروپای اش را ترغیب می‌کند تا ضمن شناسایی مناطقی که پتانسیل فروش در آنجا وجود دارد مبادرت به بستر سازی و ایجاد شرایط لازم جهت صادرات ادوات جنگی نمایند. همچنین در اثبات این مسئله که وقوع رقابت تسلیحاتی در منطقه سود سرشاری را برای صادرکننده‌ها به همراه دارد. در اینجا حتی اگر کشورهای صادر کننده تسلیحات را فاقد اهداف سیاسی بدانیم تلاش آنها برای کسب سود سرشار حاصل از فروش تجهیزات نظامی، منجر به وقوع مسابقه تسلیحاتی می‌گردد. بدیهی است تحلیل رفتن منابع مادی تک تک کشورهای بخاطر خریدهای غیر ضروری تسلیحات و هزینه‌های سرسام آور نگهداری از این تسلیحات آسیب زیادی به کشورهای واردکننده می‌زند زیرا با تاکید بر این نکته که اکثر خریدهای سنگین این کشورها شامل ادواتی همچون جنگنده‌ها و بالگردها و موشک‌های پیشرفته‌ای است که نگهداری از آنها نیازمند تکنسین‌های زنده و سیستم‌های پیشرفته می‌باشد بنابراین هم خریداری این تسلیحات و هم نگهداری از آنها به مقدار بسیار زیادی نیرو پول نیاز دارد.

۳- استمرار جنگ‌های نیابتی

بسیاری از کارشناسان جنگ‌های اخیر در غرب آسیا و شمال آفریقا را جنگ‌های نیابتی می‌دانند. جنگ نیابتی، جنگ واسطه‌ای یا جنگ وکالتی وضعیتی است که در آن قدرت‌های درگیر به جای اینکه مستقیماً وارد جنگ با یکدیگر شوند با حمایت‌های مالی، تسلیحاتی و تبلیغاتی از کشورها یا گروه‌های مسلح دیگری که با قدرت مقابل یا متحدین آن در جنگند، سعی در تضعیف آن قدرت یا فشار بر آن می‌نمایند. در بسیاری از موارد به علت توان بالای نظامی قدرت‌های اصلی، درگیری نظامی مستقیم آن‌ها با یکدیگر می‌تواند هزینه‌های سیاسی، اقتصادی و انسانی بالایی را برای هر دو طرف در پی داشته باشد

و از این رو طرفین تلاش می‌کنند که بدون وارد شدن به جنگ تمام عیار از طریق حمایت از گروه‌ها و دولت‌های ثالث به طرف مقابل ضربه بزنند.^۱

اشاعه تروریسم و جنگ داخلی در عراق و سوریه را می‌توان یک جنگ نیابتی دانست که در آن قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای نظیر آمریکا، عربستان، قطر، ترکیه، انگلستان و فرانسه با حمایت از گروه‌های مختلف شورشی سعی در سرنگونی یا تضعیف غیر مستقیم دولت‌های مستقر در بغداد و دمشق دارند. جنگ‌های نیابتی عراق و سوریه اقدامی در جهت تضعیف محور مقاومت در منطقه و حمایت از رژیم‌های محافظه کار عرب قابل تفسیر است که تاکنون به کشته شدن دهها هزار غیرنظامی منجر شده است. در این جنگ آمریکا و متحدان اروپایی اش وارد نشده و عربستان را به عنوان نایب خود در منطقه مورد استفاده قرار داده و سعی دارد از این طریق، محور مقاومت را تحت فشار قرار دهد. به عبارت دیگر آمریکایی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که روش دکترین بوش که ۱۵۰ هزار نیرو به عراق گسیل کرد و میلیاردها دلار خسارت و ۱۰ هزار کشته به بار آورد، شکست خورده است و با استفاده از ابزار برخی کشورهای محافظه کار و وابسته همچون عربستان و قطر بعنوان نیروی نیابتی خود استفاده کنند تا با کمترین خسارت بتوانند به اهداف سیاست خارجی خود دست یابند. بطور کلی کشورهایی که جنگ نیابتی را علیه محور مقاومت رهبری می‌کنند در واقع اهداف متعددی را دنبال می‌کنند که عبارتند از:

– ایجاد توازن قوا و تغییر برتری ژئوپولیتیکی به نفع غرب در منطقه

– فروش میلیاردها دلار تسلیحات نظامی به کشورهای منطقه

– تضعیف محور مقاومت با فرسایشی شدن جنگ‌های نیابتی

– ایجاد محیط امن برای رژیم اشغالگر قدس

– متلاشی کردن مرزهای جغرافیایی منطقه جهت دست یابی به طرح خاورمیانه بزرگ

۴- گسترش تروریسم

در ادبیات سیاسی تروریسم معادل وحشت افکنی، دهشت افکنی یا هراس افکنی دانسته شده که با استفاده از خشونت یا تهدید به استفاده از خشونت در پی دستیابی به اهداف سیاسی، مذهبی، یا ایدئولوژیکی است. در روزگار مدرن، تروریسم یکی از عوامل اصلی تهدید جامعه به شمار می‌رود و طبق قوانین ضد تروریسم در اکثر کشورهای دنیا توسط سیستم قضایی جرم به حساب می‌آید. همچنین چنانچه در جنگی علیه غیر جنگجویان مانند شهروندان عادی، نیروهای بی طرف یا اسیران جنگی به کار گرفته شده باشد جنایت جنگی به حساب می‌آید.^۲

با توجه به اینکه عمل تروریستی به منظور هراس و دهشت افکنی صورت می‌گیرد طبیعتاً ابزار چنین اقداماتی بطور غالب تسلیحات محسوب می‌شود. با وجودیکه تروریسم در حوزه‌های سایبری و یا بیولوژیک و... هم مورد استفاده است ولی قسمت عمده اقداماتی که منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا با آن روبروست مساله ترور سخت افزاری است. نگاهی به گذشته گواه این حقیقت است که گروه تروریستی داعش و جبهه النصره برای مشروع جلوه دادن خود و نیز تثبیت جایگاه خود برای

۱ - دانشنامه ویکیپدیا

۲ - دانشنامه ویکیپدیا

متقاعد کردن مردم سرزمین هایی که اشغال کردند عمدتاً بر ارباب و هراس تمرکز نموده اند. داعش همچنین نشان داد در اقدامات تروریستی خود در اروپا تمرکز خود را بر هراس افکنی در میان شهروندان اروپایی گذاشته و در این راه به موفقیت هایی دست یافته است. تردیدی نیست که برخی از موفقیت های تروریست های داعش از جمله تصرف موصل در عراق بدون پشتیبانی نظامی و لجستیکی کشورهای منطقه و خصوصاً عربستان سعودی امکان پذیر نبود. پیرامون چرایی حمایت عربستان از گروه تکفیری داعش تحلیل های متفاوتی ارائه شده است. در یک نگاه کلی به نظر می رسد حمایت عربستان سعودی از گروه های افراطی یا به عبارت دیگر گروه های سلفی در تمام انواع آن، چه جهادی و چه غیر جهادی، به بافت و ساختار عربستان سعودی باز می گردد که اغلب وهابی ها در آنجا متمرکز شده که اهل سنت و شیعیان را تکفیر می کنند. از سوی دیگر ترس و نگرانی دولت عربستان از نفوذ ایران در منطقه باعث می شود این دولت با حمایت از گروه های تروریستی و تلاش در جهت براندازی محور مقاومت نفوذ ایران را کاهش و توازن شکل گرفته در منطقه را تغییر دهد.

۵- نقض حقوق بشر

ائتلاف تحت رهبری عربستان با اتکاء به سلاح های غربی تاکنون بارها و بارها مرتکب نقض حقوق بشر در یمن شده اند. سازمان عفو بین الملل در ابتدای سال جاری آمریکا و انگلیس را به دلیل صادرات اسلحه به عربستان و ائتلاف نظامی آن، مسئول افزایش موارد نقض حقوق بشر در یمن دانست. این سازمان حقوقی تأکید کرده است از ابتدای درگیری در مارس (اسفند) ۲۰۱۵ در یمن، واشنگتن و لندن در صدر صادر کنندگان اسلحه به عربستان به ارزش ۵ میلیارد دلار بودند که این میزان بیش از ده برابر ارزیابی های وزارت خارجه آمریکا و وزارت توسعه بین المللی انگلیس است. لین معلوف مدیر تحقیقات دفتر منطقه ای سازمان عفو بین الملل در بیروت می گوید دو سال درگیری در یمن سه میلیون تن را مجبور به فرار از خانه های خود کرده، زندگی هزاران غیر نظامی را در معرض خطر قرار داده و یمن را به شکاری برای فجایع انسانی تبدیل کرده به طوری که ۱۸ میلیون یمنی نیاز مبرم به کمک های بشر دوستانه دارند. با این حال علی رغم میلیون ها دلار کمک های بشر دوستانه بین المللی به یمن، چندین کشور هنوز با تداوم ارسال میلیارد ها دلار اسلحه به عربستان، مسئول مصائب مردم یمن هستند. معلوف تأکید کرد سلاحی که آمریکا و انگلیس به عربستان می دهند برای موارد نقض شدید حقوق بشر استفاده می شود و به وقوع فاجعه انسانی در کشور کمک می کند و این کشورها در حالی صدور مجوز انتقال سلاح جدید به یمن را ادامه می دهند که کمک های بشر دوستانه برای کاهش بحرانی که خود آن را به وجود آوردند ارائه می شود.^۱

جنایات عربستان در حالی صورت می گیرد که تلاش ها برای توقف صدور اسلحه از انگلیس به عربستان بی نتیجه ماند و دادگاه عالی لندن شکایت گروه های مدافع حقوق بشر از دولت این کشور برای توقف صادرات تسلیحاتی چند میلیارد پوندی به عربستان سعودی را رد کرد.^۲

وضعیت در آلمان هم مطابق میل طرفداران حقوق بشر پیش نرفت و با وجود مخالفت گسترده مردمی دولت آلمان چندین توافق فروش سلاح به سه کشور عربی از جمله عربستان سعودی، امارات و عمان را تأیید کرد. این در حالی بود که دولت آلمان در ماه ژانویه گذشته به دلیل نقض گسترده حقوق بشر در عربستان سعودی، فروش سلاح به ریاض را به حال تعلیق در آورد.^۳

۱ - خبرآنلاین، ۹۶/۱/۳

۲ - باشگاه خبرنگاران جوان، ۹۶/۴/۱۹

۳ - پرس تی وی، ۲۰۱۶/۰۴/۱۴

۶- تداوم حاکمیت های نامشروع

بحران مشروعیت به مقبول نبودن ساختارهای قدرت، نهادهای سیاسی و زمامداران در جامعه برمی گردد. موضوعی که اکثر کشورهای منطقه از آن رنج می برند. کشورهای غربی نیز تداوم منافع خود در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا را در تداوم نظام‌های دست نشانده می بینند. این نظام‌های خودکامه پیوندهایی عمیق در حوزه سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی با آمریکا، انگلیس و فرانسه دارند و به این وسیله به دنبال استمرار حاکمیت‌های نامشروع خود هستند. با وجودیکه مفاهیمی چون دموکراسی و حقوق بشر شعار همیشگی کشورهای غربی بوده و هست اما نظام‌های خودکامه در منطقه از حمایت کامل مدعیان حقوق بشر بهره می برند. برخی از کشورهای عرب حوزه خلیج فارس از نظر اقتصادی پیشرفت‌ها و جهش‌هایی را شاهد بودند، اما به همان میزان هرگز در امور سیاسی‌شان چنین جهش‌های موفقی را نمی یابیم و نظام سیاسی آنها خودکامه و نامشروع است و مردم نقشی در تعیین سرنوشت خود ندارند. مردم بیش از آنکه به دولتهای‌شان وفادار باشند به قبیله خود وفادارند و حس وطن پرستی در آنها یافت نمی شود و از سوی دیگر اختصاص قدرت سیاسی و اقتصادی جامعه تنها در دست یک قبیله اقلیت باعث بروز مشکل و بحران شهروندی در جامعه آنها شده است. با این حال نباید نادیده گرفت که ساختار موجود حاکمیتی پاسخگوی نیازهای نسل امروز آنها نیست و پیش بینی می شود که این کشورها در صورت استمرار بحران حاکمیت و با اثرپذیری از تحولات دیگر کشورهای عربی دستخوش دگرگونی‌های بنیادی شوند.

۷- سرکوب اعتراضات داخلی

سیاست سرکوب مردم در کشورهای عرب حوزه خلیج فارس امری جدید تلقی نمی شود و شیعیان و منتقدان نظام‌های پادشاهی خودکامه سالهاست مورد سرکوب واقع می شوند. پس از وقوع بیداری اسلامی در منطقه بحرین و مناطق شرقی عربستان شاهد خیزش‌های مردمی بودند که از سوی نظام‌های الخلیفه و آل سعود با خشونت سرکوب شد. خشونتی که تاکنون شعله‌های اعتراض به تبعیض و ظلم را خاموش نکرد و مردم همچنان خواهان تغییر وضع موجود هستند. سازمان‌های مدافع حقوق بشر از بکارگیری سلاح‌های مختلف غربی برای کشتار یا سرکوب مردم از جمله کپسول‌های اشک آور در بحرین و عربستان خبر می دهند. کمترین تردیدی نیز وجود ندارد که حکومت‌های غربی به شکل‌های مختلف از نقش فاحش و آشکار حقوق بشر توسط حکومت‌های عربستان و بحرین حمایت کردند که ایجاد پایگاه دریایی انگلیس در بحرین، فروش سلاح‌های پیشرفته به این کشورها و مشارکت در نشست‌های کشورهای عربی از جمله این روش‌ها است.

□ نتیجه‌گیری

کشورهای اروپایی مانند آمریکا در مراودات تجاری خود بیش از آنکه به مفاهیمی چون دموکراسی، آزادی و حقوق بشر توجه داشته باشند در پی کسب منافع اقتصادی خود می‌باشند. آمارها نشان می‌دهند کشورهای اتحادیه اروپا پس از آمریکا دومین صادرکننده سلاح به کشورهای خودکامه و غیردموکراتیک غرب آسیا و شمال آفریقا هستند. عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر و مصر از جمله بزرگترین دریافت‌کنندگان سلاح‌های ساخته شده در فرانسه، انگلیس، آلمان و دیگر کشورهای اروپا هستند. امضای پیمان‌های نظامی و امنیتی میان کشورهای محافظه کار منطقه و دولت‌های اروپایی نیز با هدف استمرار حاکمیت‌های نامشروع خصوصا در میان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس صورت می‌گیرد. کشورهای غربی از این موضوع آگاهند که تغییرات ظاهری دموکراتیک باید قوام بخش نظام‌های موجود باشد زیرا کلید خوردن پروژه گذار به دموکراسی در "کشورهای عربی دوست"، منجر به سرنگونی رژیم‌های اقتدارگرای این کشورها و روی کار آمدن دولت‌هایی اسلامگرا خواهد شد که احتمالا منافع اقتصادی دولت‌های غربی را به چالش خواهند کشید. این وضعیت موجب انسداد و تنگ شدن مجاری تاثیرگذاری فرهنگی دنیای غرب بر کشورهای عربی هم می‌شود و به سلطه غرب در کشورهای عرب پایان خواهد داد.